



در فضای تیره جایخانه، بر فراز سر مشتریان چتری از دود چیق و قلیان با پیچ و تاب ملایمی، در تردید ماندن و پراکنده شدن بود که همه با هجوم نسیمی در هم پیچید. پهلوان رو به پیرمرد گفت: «صفای قدمت اوستا قاسم» و از سرخاکساری مشت دست باندپیچی شده‌اش را برسینه پهن و عضلانی‌اش فشرد، مشت دستنی چنان بزرگ و پیت و پهن که چون کله یک کوچ کوهی قوی ضربه زن و کوبنده به‌نظر می‌آمد. سرپنجه‌ای که در آن شب چون دریای خروشان، در میان تخته‌پاره‌های قایق‌های درهم شکسته در جست‌وجوی دوستان ماهیگیرش زخمی هولناک برداشته بود. حیدر با نگاهی به چهره تکیده‌واستخوانی بنای پیر آبادی گفت:

غمگین و دل شکسته نینیمت اوستا قاسم، جای‌ات را بنوش برایم تعریف کن که چه حادثه‌ای پیش آمده؟

مرد پیر از سر احتیاط با نگاهی بیمناک به اطراف چشم گرداند، سر میان دو ستون بازوهایش خم کرد و به آرامی گفت: پهلوان به لطف خدا روزگارم بد نیست، تن سالم و توانی دارم که بتوانم لقمه نانی از راه حال به‌دست آورم و به سر سفره عیالم برم، اما پهلوان...

مرد خاموش ماند و با سر خمیده، قوزه پشت‌اش در زیر کت گذاشش برآمدگی بیشتر پیدا کرد. سر به روی میز خم کرده بود که حلقه‌ای از طره خاکستری موهایش روی پیشانی‌اش تاب خورد و عرق میان شیار چروک‌های صورتش جوشید. آنگاه قطره اشکی از روی برآمدگی کونه استخوان‌اش روی میز چکید و بغض و گلویش شکست.

پهلوان حیدر به دل‌داری بازوی پیرمرد را میان انگشتانش فشرد، سر جلو برد و در گوشش با زمزمه گفت:

- پدر آرام باش. با من درددل کن، قول می‌دهم هر مشکلی که داشته باشی کمکت کنم.

پیرمرد با نفس عمیقی که کشید، آرام گرفت. سرانگشتی به چشم‌های اشک‌الودش کشید و گفت:

- سرمندهام پهلوان، راز قتلی در سینه دارم که خوابم با کابوس همراه است و در بیداری آرام و قرار از من گرفته، اگر پنهانش کنم رسم جوانمردی نیست که قاتلی از مجازات فرار کند، اما اگر این را فاش کنم جان زن و فرزندام به خطر می‌افتد.

پهلوان حیدر پرسید، پدر این قاتل کی هست و چه کسی را کشته؟ پیر جواب داد، قاتل یکی از قداره‌بندهای سپاهپوش حاکم است که در جریان حفاری در قبرستان متروکه قدیمی برای پیدا کردن عتیقه، میرزا کاظم باران ساز را کشته.

حیدر از تعجب به بنای پیر خیره نگاه کرد و پرسید:

قداره بندهای این حاکم ظالم؟ میرزا کاظم باران ساز را کشته؟ پیرمرد گفت: اما هیچ‌کس جز من از این راز جنایت خبر ندارد پهلوان، برای همین امشب آمده‌ام از شما راه چاره‌ای بگیرم.



**گروه حوادث/** تصادف ۱۰ خودرو در کمربندی بهشهر منجر به مصدومیت ۷ نفر شد.

سرهنگ حسن عنایتی گنجی فرمانده انتظامی شهرستان بهشهر به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: شامگاه یکشنبه رعایت نکردن سرعت مطمئنه و لغزندگی جاده ناشی از بارش باران در کمربندی، سبب کاهش دید رانندگان و وقوع این تصادف زنجیره‌ای در کمربندی بهشهر شد.

وی افزود: یک خودرو نسیان به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه و ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه و همچنین لغزنده بودن سطح جاده با نیوجرسی حاشیه جاده برخورد کرد. وقوع این حادثه منجر به برخورد ۷ خودرو دیگر که در طول مسیر در حال حرکت بودند شد. او در ادامه با اشاره به واژگونی یک دستگاه اسکانیا به‌دلیل لغزنده بودن جاده از وقوع ۵ حادثه رانندگی دیگر در این محور نیز خبر داد و افزود: در این حوادث در مجموع ۱۰ خودرو با یکدیگر برخورد کردند.

عنایتی با بیان اینکه این حوادث هیچگونه خسارت جانی در بر نداشته‌اند، عدم رعایت فاصله طولی و نداشتن مهارت کافی رانندگان این خودروها در کنترل وسیله نقلیه به موجب وقوع این حوادث اعلام وگفت: در این حادثه‌ها ۶ نفر به‌صورت سطحی مصدوم و یک نفر نیز در بیمارستان بستری شد.

#### رضایت پدر و مادر برای نجات پسر از مرگ

**گروه حوادث/** پسر جوان که برادرش را به خاطر مصرف مشروب الکلی به قتل رسانده بود با رضایت خانواده‌اش از مجازات قصاص رهایی یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث ایران، این پسر جوان صبح دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد و در حالی که به قتل برادرش اعتراف می کرد گفت: روز حادثه من و برادرم در خانه تنها بودیم هرچند با هم مشکل خاصی نداشتیم اما وقتی برادرم مشروب می خورد و مست می کرد رفتارش غیرقابل تحمل می‌شد. بعد به من گفت قفل رایانه دستی‌ام را تو باز کردی و اطلاعاتم را از روی آن برداشتی گفتم من این کار را نکردم و اصلاً اطلاعات تو به درد من نمی‌خورد، اما برادرم عصبانی بود و مدام فحاشی می کرد بعد به نامزدم توهین کرد که خیلی عصبانی شدم. وقتی به من حمله کرد من هم یک ضربه به او زدم که روی زمین افتاد و بی هوش شد: بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم و همان موقع هم پدر و مادرم رسیدند و او را به بیمارستان بردیم اما برادرم جانش را از دست داد. متهم در ادامه گفت: بعد از مرگ برادرم دچار عذاب وجدان و بیماری روحی شده‌ام و زندگی سستی دارم از این به بعد باید با عذاب زندگی کنم. بعد از گفته‌های متهم، هیأت قضات وارد شور شدند و متهم را با توجه به اینکه توبه کرده و پدر و مادرش رضایت داده بودند با احتساب ایام بازداشت به ۴ ماه حبس محکوم کردند.

## دوجنایت در یک شب

### مرد مرغ فروش و صاحب سوپر مارکت در دو نقطه پایتخت کشته شدند

**گروه حوادث/** نخستین ساعات بامداد دوشنبه دوجنایت در پایتخت رخ داد که در نخستین قتل مردی مرغ فروش در جنوب تهران و در جنایت دوم که ساعاتی پس از آن رخ داد صاحب یک سوپر مارکت در جریان نزاعی خونین کشته شدند و با اعلام این دو خبر به بازپرس جنایتی تهران دستور تحقیقات برای شناسایی و دستگیری قاتلان صادر شد.

■ **میانجیگری که قربانی شد**  
نخستین جنایت ساعت ۱۲ شب ۸ تیر از سوی مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت آباد به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.

#### گروه حوادث /

**پسر دانشجو که برادرش را قتل داد ۸ ساله‌اش را به قتل رسانده بود صبح دیروز با رضایت پدر و مادرش به ۳ ماه حبس محکوم شد.**

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه روز ۲۶ آذر سال ۹۸ از خانه‌ای واقع در حکیمیه تهران رخ داد. زن و مرد میانسال‌ی هراسان بدن بی‌جان پسر ۸ ساله شان را به بیمارستان منتقل کردند. آنها به پزشکان گفتند که پسرشان هنگام بازی دچار حادثه شده است اما با اعلام مرگ مشکوک این پسر بچه موضوع به پلیس و تیم جنایتی اطلاع داده شد و وقتی به دستور بازپرس جنایتی برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد کارشناسان علت مرگ وی را خفگی اعلام کردند. همچنین آثار به جا مانده روی بدن این کودک نشان می‌داد وی قبل از مرگ با کسی درگیر شده است.

در حالی که تحقیقات از خانواده این پسر ۸ ساله ادامه داشت برادر ۲۰ ساله او لب به اعتراف گشود و گفت: من برادرم را خفه کردم چون از دست او خسته شده بودم. کامیار که دانشجو بود در بازجویی ها گفت: وقتی برادرم به دنیا آمد خیلی خوشحال بودیم بخصوص من بیشتر از بقیه خوشحال بودم چون دیگر تنها نبودم و یک برادر داشتم اما وقتی او یکساله شد فهمیدیم که بیماری اوتیسم دارد. از همان موقع در درسهای خانواده شروع شد. مدام گریه می‌کرد حرکاتش غیر ارادی و غیر عادی بود به حرف هیچ‌کس گوش نمی‌کرد و وضعیت خوبی نداشت. او را تحت درمان قرار دادیم اما هر چه بزرگتر می‌شد حالش بدتر و نگهداری از او سخت‌تر می‌شد این اواخر داروهایش را هم نمی‌خورد و مدام وسایل خانه را می شکست و با همه دعوا می‌کرد. من هم مانند پدر و مادرم در این مدت از او نگهداری و شرایشش را درک می‌کردم. اما از ۶ ماه قبل از این حادثه خودم هم دچار مشکلات روحی و روانی شدم. نمی‌توانستم درس بخوانم وقتی ناآرامی پدر و مادرم را می‌دیدم بیشتر غصه می‌خوردم اما هر چه بزرگتر می‌شدم عذاب می‌کشید. روز حادثه دوباره حالش بد شد. به حدی که نمی‌توانستم او را کنترل کنم. پدر و مادرم در خانه نبودند داروهایش را آوردم که بخورد و بخوابد اما نشد. هرکاری کردم نتوانستم به او دارو بدهم و مقاومت می‌کرد. وسایلم را شکست. به سختی آرامش کردم اما خودم خسته و عصبی شده بودم وقتی برادرم داشت در اتاق بازی می‌کرد به سراغش رفتم و با کشیدن کیسه‌ای پلاستیکی روی سرش او را خفه کردم.

بعد از گفته‌های این پسر جوان او بازداشت شد اما چند روز بعد پدر و مادرش به دادسرا مراجعه کرده و اعلام گذشت کردند. آنها گفتند: ما دو فرزند بیشتر نداشتیم و با اینکه فرزند کوچکمان را از دست داده‌ایم اما نمی‌توانیم تصور کنیم که پسر دیگرمان را

## شکستن دست و پا

### برای کلاهبرداری از بیمه



**گروه حوادث/** ۳ زندانی بعد از آزادی با تشکیل یک باند و به بهانه مصدومیت در تصادف‌های ساختگی بیش از ۲ میلیارد تومان از شرکت‌های بیمه کلاهبرداری کردند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در پی شکایت یک شرکت بیمه مبنی بر کلاهبرداری با شگرد گزارش تصادفات ساختگی، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت و مأموران با تحقیقات و بررسی‌های میدانی موفق به شناسایی افراد کلاهبردار شدند که با همکاری یکدیگر صحنه‌های تصادف ساختگی ایجاد می‌کردند. متهمان که به‌تازگی تعدادی سند و مدرک به شرکت بیمه ارائه کرده و درصدد دریافت خسارت بودند از سوی مأموران در داخل شرکت بیمه دستگیر شدند. متهمان در بازجویی اولیه اعتراف کردند، از سال‌ها پیش در شهرستان قم شرکت‌های بیمه را فریب داده

وقتی تیم جنایتی به محل حادثه که یک مغازه میوه فروشی بود رفتند در تحقیقات اولیه دریافتند مردی ۲۵ ساله با ضربه‌های کارد به قتل رسیده است. یکی از شاهدان ماجرا به تیم تحقیق گفت: شهرام – متهم – در مغازه میوه فروشی کار می‌کند البته این مغازه را با مردی شریک است. ساعاتی قبل در حالی که عصبانی بود وارد مغازه‌اش شد و با پسر شریکش درگیری لفظی پیدا کرد و خیلی زود کار به درگیری فیزیکی کشید. متهم با چاقو به پسر شریکش حمله و او را مجروح کرد. در همین هنگام صاحب مغازه مرغ فروشی که

#### قتل در سوپرمارکت

در حالی که تحقیقات در رابطه با قتل مرد مرغ فروش ادامه داشت، ساعت ۳ بامداد ۹ تیر، مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو دومین قتل را به بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایتی پایتخت اعلام کردند.



هم از دست بدهیم. بدین ترتیب با رضایت زن و شوهر پسر جوان از مجازات مرگ رهایی یافت. تا اینکه صبح دیروز وی در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران از جنبه عمومی جرم پای نیز محاکمه ایستاد. در ابتدا بار دیگر پدر و مادر مقتول از مجازات پسر بزرگشان گذشتند و مادر که هنوز دادگار پسرش بود گفت: من بعد از مرگ پسرمر شرایط روحی بسیار بدی دارم اما کامیار هم فرزند من است او برادرش را خیلی دوست داشت حتی بسیاری از اوقات که من حوصله و تحمل رسیدگی به پسرمر را نداشتم او از برادرش مراقبت می‌کرد مطمئنم که به عمد اینکار را نکرده است.

در ادامه جلسه رسیدگی پسر جوان در جایگاه قرار گرفت او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من به عمد اینکار را نکردم و اصلاً نمی‌خواستم برادرم را بکشم. من برادرم را بسیار دوست داشتم. حال مرا پدر و مادرم و روح برادرم درخواست بخشش دارم و از دادگاه می‌خواهم تا به من کمک کند. با پایان جلسه دادگاه هیأت قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند و متهم را به سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم کردند.

مشکل مواجه شود. اما پسر نوجوان در جواب اعتراض مقتول با او درگیر شد و با چاقویی که به همراه داشت ضربه‌ای به قفسه سینه مرد ۲۸ ساله زد. صاحب مغازه سوپر مارکت خونین روی زمین افتاد و بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتیم و قاتل نوجوان هم پا به فرار گذاشت. به دستور بازپرس رجیم دشتبان، اجساد مغازه سوپرمارکتی در خیابان شهرستانی محازه سوپرمارکتی در خیابان شهرستانی دارد. شب حادثه پسر ۱۶ ساله‌ای در چند متری مغازه مقتول بساط کرده بود. مقتول به او اعتراض کرد که چرا آنجا بساط کرده و باعث شده تردد عابران و مشتری‌ها با

مرد ۲۸ ساله‌ای که در خیابان شهرستانی درگیر شده بود، به بیمارستان منتقل شده و او نیز ساعاتی پس از بستری شدن در بیمارستان جان خود را از دست داده بود. با برملا شدن این موضوع تیم جنایتی راهی خیابان شهرستانی شدند. در تحقیقات میدانی شاهدان گفتند: مقتول مغازه سوپرمارکتی در خیابان شهرستانی دارد. شب حادثه پسر ۱۶ ساله‌ای در چند متری مغازه مقتول بساط کرده بود. مقتول به او اعتراض کرد که چرا آنجا بساط کرده و باعث شده تردد عابران و مشتری‌ها با

### بازگشت مرد ۶۰۰ میلیاری به کشور

**گروه حوادث/** مرد صراف که با خیانت در امانت ۶۰۰ میلیارد تومان از یک شرکت دولتی کلاهبرداری کرده و تحت تعقیب اینترپل بود در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس دستگیر و به کشور بازگردانده شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار کاظم مجتبابی جانشین رئیس پلیس بین الملل ناجا درباره جزئیات این پرونده گفت: متهم این پرونده بیش از چهار سال تحت تعقیب پلیس بین‌الملل ناجا بود که با درخواست اعلان قرمز از اینترپل جهانی، تعقیب و تلاش برای دستگیری وی آغاز شد و در نهایت یکشنبه شب گذشته وی از یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به کشور بازگردانده شد. وی در ادامه تصریح کرد: متهم طی این چند سال به ۴ کشور اروپایی و آسیایی سفر کرده بود و به‌دنبال راهی برای فرار از چنگال قانون بود اما با اقدام‌های اطلاعاتی و هماهنگی‌های دیپلماسی پلیس بین‌الملل ناجا با سازمان اینترپل جهانی بالاخره متهم در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس دستگیر و به کشور منتقل شد. بر اساس این پرونده متهم از یک شرکت دولتی ۱۲۰ میلیون درهم، معادل ۶۰۰ میلیارد تومان کلاهبرداری و به نوعی خیانت در امانت کرده بود که با این پول‌ها، اقدام به ساخت و ساز در برخی کشورها کرده و به نوعی مرکب پولشویی هم شده بود.

سردار مجتبابی خاطرنشان کرد: این متهم صرافتی داشته و به نوعی امین یکی از شرکت‌های دولتی بود و فعالیت‌هایی برای آن شرکت انجام می‌داده اما پس از مدتی مرکب خیانت شده و پول‌ها را به حساب شخصی خود منتقل کرده و پس از آن هم متواری شده بود.

وی افزود: ما برای استرداد مجرمان از سایر کشورها همواره با مشکلات و پیچیدگی‌هایی روبه‌رو هستیم و برای رسیدن به یک نتیجه درست باید دیپلماسی قوی پلیسی داشته باشیم و نیروهای پلیسی که برای انتقال و استرداد متهمان اعزام می‌شوند علاوه بر ورزیدگی جسمی و ذهنی باید مسلط به قوانین حقوقی و زبان‌های بین‌المللی نیز باشند که همین مساله دستگیری مجرمان و متهمان در داخل و خارج از کشور را متفاوت می‌کند.

این مقام انتظامی تصریح کرد: در هرحال، این فرد پانزدهمین متهمی است که از ابتدای سال تاکنون به همت پلیس بین‌الملل ناجا و البته با هماهنگی دستگاه قضا به کشور مسترد شده و باید بگویم استرداد متهمان از ابتدای سال تاکنون نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۴ درصدی داشته است. ضمن اینکه عملیات محور شدن مأموریت‌ها و فعالیت‌های پلیس بین‌الملل ناجا تلاوم خواهد داشت.

### شرط میلیاری برای نجات دمل‌لا از اعدام

مادرش به او چه گفته بود که وقتی تماسش را قطع کرد با عصبانیت به او گفت: «چرا بیش خانواده‌ام از من بدگویی کرده‌ای؟» بعد هم درگیری ما بالا گرفت و ناگهان دستم را روی گلویش گذاشتم، نمی‌خواستم او را به قتل برسانم. به خودم که آمدم، همسرم نفس نمی‌کشید. از ترس فرار کردم و به ترمینال جنوب رفتم. حدود یک هفته در آنجا بودم و بعد هم در رستورانی به‌عنوان پیک موتوری مشغول به کار شدم. شب‌ها هم در آنجایی که همسر مقتول پس از اینکه دستگیر شد،

پس از محاکمه متهم با توجه به درخواست اولیای دم، وی از سوی قضات شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد. با تأیید این حکم در دیوانعالی کشور، پرونده این جنایت برای اجرای حکم به دادسرای امور جنایتی پایتخت ارجاع شد. با ارسال پرونده، واحد صلح و سازش دادسرا به سرپرستی محمد شهریار ی‌وارد عمل شده تا از اولیای دم رضایت بگیرند. اما آنها خواهان قصاص بودند و بدین ترتیب

اوخر سال گذشته مرد جوان پای چوبه دار رفت. اما پای چوبه دار او نوانست ۶ ماه از خانواده همسرش به شرط پرداخت دیه یک و نیم میلیارد تومانی مهلت بگیرد. با گذشت ۶ ماه از مهلت، در حالی که نتوانسته بود دیه را بدهد بار دیگر متهم پای چوبه دار رفت اما اینبار نوانست یک میلیارد از مبلغ درخواستی اولیای دم را فروش املاکی که داشت پرداخت کند. از سویی بار دیگر واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایتی وارد عمل شده و در نهایت اولیای دم راضی شدند با دریافت ۳۰۰ میلیون تومان دیگر از قصاص او بگذرند و دو ماه دیگر به او مهلت دادند تا بتواند مبلغ درخواستی آنها را پرداخت کند. بنابراین چنانچه داماد جوان بتواند این پول را بدهد از مجازات مرگ نجات خواهد یافت.